

# چگونگی ارتباط کلینی با کتاب محمد بن مسلم در پرتو بررسی اسناد و داده‌های کتاب شناختی

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۱۸

امید مفید بجنوردی<sup>۱</sup>

## چکیده

پس از عمومی شدن نهضت کتابت حدیث در جامعه شیعه، کتاب‌های حدیثی فراوانی توسط اصحاب ائمه علیهم‌السلام تدوین یافت. از دیرباز چگونگی انتقال این نگاشته‌ها به صاحبان کتب اربعه، یکی از چالش‌های مهم حدیث پژوهان بوده است. در این نوشتار پس از معرفی اجمالی محمد بن مسلم و کتاب وی، انتقال روایات آن به کلینی مورد بررسی قرار گرفته است. باتوجه به طرق کلینی در کتاب الکافی و نیز داده‌های فهرستی، این احتمال که کتاب محمد بن مسلم به صورت مستقل به قرن چهارم و پنجم منتقل نشده باشد، تقویت می‌شود؛ اما روایات کتاب محمد بن مسلم در منابع واسطه‌ای - همچون کتاب حریر بن عبدالله سجستانی - منعکس شده و به نسل‌های پسین انتقال یافته است.

**کلیدواژه:** محمد بن مسلم، کلینی، کتاب‌شناسی، سند، کتاب محمد بن مسلم.

---

۱. دانش‌آموخته و پژوهشگر سطح ۴ حوزه علمیه مشهد، Mofid7033@gmail.com

## مقدمه

جوامع حدیثی شیعه همچون کافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و نیز منابع دیگری مانند المحاسن، کامل الزیارات و بصائر الدرجات نگاشته‌هایی هستند که از منابع مکتوب پیش از خود اخذ شده و سامان یافته‌اند؛<sup>۱</sup> منابعی که در سه قرن نخستین توسط اصحاب امامان علیهم‌السلام نگاشته شده و در برخی موارد به رؤیت و تأیید امامان علیهم‌السلام نیز رسیده‌اند.<sup>۲</sup> امروزه بسیاری از این نگاشته‌ها (که از آنان به «اصول اربعمائه» یاد می‌شود)<sup>۳</sup> در دسترس نیست،<sup>۴</sup> تا با نگاهی مقایسه‌ای به کیفیت این ارتباط پی برد. به همین جهت یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی حدیث پژوهان چگونگی ارتباط جوامع روایی موجود و نگاشته‌های نخستین حدیثی است که تأثیر مستقیمی در اعتبارسنجی جوامع روایی دارد.

با نگاهی به تاریخ حدیث شیعه می‌توان گفت نخستین نگاشته‌های حدیثی در فرآیندی تحت عنوان «قرائت، سماع و اجازه» با کمترین میزان آسیب‌پذیری به نسل‌های پسین انتقال یافته است.<sup>۵</sup> پایبندی حداکثری راویان به این فرآیند،<sup>۶</sup> دست بردن در

۱. شیخ صدوق در مقدمه من لایحضره الفقیه به برخی از منابع خود همچون کتاب حریر بن عبدالله سجستانی، کتاب عبیدالله بن علی حلبی در تألیف کتاب، اشاره می‌کند (من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲).
۲. رجال النجاشی، ص ۲۳۱، ش ۶۱۲ (کتاب عبیدالله بن علی حلبی).
۳. قدیمی‌ترین گزارش از تعداد اصول، گزارش مشهور ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ ق) از شیخ مفید (م ۴۱۳ ق) است که رقم آن را به چهارصد اصل می‌رساند (معالم العلماء ص ۳) جالب آنکه در آثار شیخ مفید و شاگردان وی چنین شمارشی به چشم نمی‌خورد. ابن شهر آشوب در جای دیگر خود تعداد اصول را هفت صد عدد معرفی می‌کند (مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲۱۸).
۴. «تحلیل دیدگاه شیخ بهایی و اخباریان در علل تغییر شیوه اعتبارسنجی متأخران»، ص ۱۱۵-۱۴۲؛ و همچنین ن. ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۲۰۰ تا ۲۰۸.
۵. اعتبارسنجی احادیث شیعه، ص ۲۹۶-۳۱۳.

۶. رجال النجاشی، ص ۳۵، ش ۷۲ (قرائت کتاب عبدالله بن بکیر بر فضل بن شاذان توسط حسن بن علی فضال)؛ ص ۳۹، ش ۸۰ (توصیه حسن بن علی و شاء به احمد بن محمد بن عیسی اشعری مبنی بر استنساخ و سپس سماع کتاب علاء بن رزین القلاء و کتاب ابان بن عثمان احمر)؛ رجال الکشی، ص ۵۰۷،

میراث حدیثی و جعل و دش را به میزان قابل توجهی کاهش داده و انتقال در بستری امن را به دنبال داشته است. انتقال نگاشته‌های حدیثی در سامانه «قرائت، سماع» باعث به پدید آمدن مفهومی تحت عنوان «طریق» شده است. طریق که از آن به سند نیز می‌توان تعبیر نمود<sup>۱</sup> در واقع مسیر دستیابی به کتاب است. به عنوان نمونه نجاشی در بیان طریق خود به کتاب حریر بن عبدالله سجستانی می‌نویسد:

له كتاب الصلاة كبرو آخر أطف منه و له كتاب نوادر، فأما الكبير فقرأناه على القاضي أبي الحسين محمد بن عثمان قال: قرأته على أبي القاسم جعفر بن محمد بن عبید الله الموسوي قال: قرأت على مؤدبي أبي العباس عبید الله بن أحمد بن نهيك قال: قرأت على ابن أبي عمير قال: قرأت على حماد بن عيسى قال: قرأت على حرير.<sup>۲</sup>

کتاب حریر در همه طبقات با همان سیستم قرائت و سماع توسط افراد موجود در طریق پیش‌رو به نجاشی منتقل شده است.

صاحبان جوامع حدیثی به روش‌های مختلفی منابع و طرق دستیابی به این منابع را معرفی کرده‌اند؛ شیخ صدوق در انتهای کتاب خود در قسمتی تحت عنوان مشیخه به این مهم اقدام کرده است؛<sup>۳</sup> شیخ طوسی نیز قسمتی از منابع و طرق خود را در ابتدای روایات، قسمتی را در مشیخه و قسمتی را به کتاب فهرست خود ارجاع داده است.<sup>۴</sup> کلینی

ش ۹۷۷ (ایوب بن نوح و روایت نکردن احادیث و جاده‌ای محمد بن سنان. که از فرآیند قرائت و سماع گذر نکرده است). ص ۴۳۹، ش ۹۴۵ (شخصیت بلند آوازه‌ای چون یونس بن عبدالرحمن مورد اتهام قرار می‌گیرد که احادیث خود را از طریق سماع به دست نیاورده است).

۱. شهید ثانی سند را طریق به متن تعریف نموده است: «فتن الحديث: (لفظ الحديث الذي يقوم به المعني) و هو مقول النبي ﷺ و ما في معناه. (و السند: طريق المتن) و هو جملة من رواه؛ من قولهم: فلان سند أي: معتمد. فسمي الطريق سندا لاعتماد العلماء في صحة الحديث و ضعفه عليه» الرعاية لحال البداية، ج ۱، ص ۱۵۳.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۵، ش ۳۷۵

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۱-۵۳۹.

۴. شیخ طوسی در دو جلد ابتدایی «تهذیب» قسمتی از اسناد را به صورت کامل ذکر کرده است کتاب الطهارة: ۲۱۸ سند، کتاب الصلاة: ۷۶ سند، کتاب الزکاة: ۲۰ سند، کتاب الحج: ۳ سند، ن.ک. مصادر الشیخ الطوسی قدس سره فی کتاب تهذیب الاحکام، ص ۲۳. وی برخی از اسانید را نیز به مشیخه و

در ابتدای هر روایت، طریق خود به آن روایت را بیان کرده است. این طرق براساس داده‌های قطعی تاریخ حدیث شیعه، طرقی شفاهی نیستند؛ بلکه هر طریق درواقع به منبعی مکتوب ختم می‌شود که به وسیله افراد موجود در طریق، به کلینی منتقل شده است. روش حدیث پژوهان قدیم بر آن بوده که به جای تصریح به منبع، به نام صاحب آن اشاره می‌کرده‌اند.<sup>۱</sup> به عنوان نمونه در طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبی» - که یکی از پرتکرارترین طرق کتب اربعه است -<sup>۲</sup> عبیدالله بن علی حلبی صاحب کتابی است که به وسیله افراد موجود در طریق، به کلینی منتقل شده است. باتوجه به این نکته و براساس داده‌های فهرستی، عده‌ای به بررسی منابع نگاشته‌های حدیثی و بازسازی آن اقدام کرده‌اند.<sup>۳</sup>

یکی از مهم‌ترین نگاشته‌های حدیثی که منبع بسیاری از روایات موجود در جوامع حدیثی است، کتاب محمد بن مسلم است. مرحوم کلینی در الکافی ۸۶۷ طریق را به محمد بن مسلم می‌رساند. می‌توان با تحلیل این اسناد و طرق افراد مؤثر در انتقال، کتاب یا روایت‌های آن را ردگیری کرد؛ فایده دیگر تحلیل اسناد و طرق، پی بردن به تعدد طرق روایات نزد کلینی و در پی آن اطمینان به تواتر روایات است. بررسی و الگویابی اسناد و کشف خلل‌های موجود در اسناد، روشی است که مورد استقبال عده‌ای از دانشیان حدیث قرار گرفته است.

آیت‌الله بروجردی در «الموسوعة الرجالیة»<sup>۴</sup> باتوجه به مقایسه اسناد پرتکرار در موارد

الفهرست ارجاع می‌دهد (الاستبصار، مشیخه، ص ۳۴۲).

۱. «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه با تاکید بر تالیفات مربوط به امامت»، ص ۳۱-۳۵؛ بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۴۳۴-۴۳۵.

۲. سید محمدجواد شبیری این سند را دومین سند مشهور می‌داند، این طریق با فراوانی بیش از ۴۰۰ مورد دومین طریق پرتکرار کتاب «الکافی» است (اصول الرجال المستوی الاول، ص ۴۰).

۳. به عنوان نمونه می‌توان به بازسازی «کتاب الحج» معاویة بن عمار اشاره کرد که توسط محمدعیسی آل مکباس بحرانی بازسازی شده و در سال ۱۳۸۹ توسط نشر مشعر منتشر شده است.

۴. الموسوعة الرجالیة در هفت جزء نگاشته شده است (بدون ترتیب): ۱. ترتیب اسانید کتاب الکافی ۲. ترتیب اسانید کتاب تهذیب الاحکام ۳. ترتیب اسانید کتب شیخ صدوق ۴. ترتیب اسانید کتاب من

متعددی ارسال و تصحیف اسناد را کشف کرده است.<sup>۱</sup> کتاب «توضیح الاسناد المشکله فی کتب الاربعه؛ اسناد الکافی»<sup>۲</sup> نوشته استاد سید محمدجواد شبیری را نیز می‌توان از سنخ تحلیل و ارزیابی و کشف خلل‌های اسناد دانست. سمیرا حاتمی مهر و اعظم فرجامی نیز در مقاله «الگویابی اسناد کلینی به کتاب زراره بن اعین»<sup>۳</sup> به تحلیل و بررسی اسنادی که به زراره منتهی می‌شود همت گمارده‌اند. البته آثار مرتبط متعدد دیگری نیز در تحلیل اسناد کافی نگاشته شده که هر یک هدفی را دنبال می‌کند، احسان سرخه‌ای در مقاله «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی»<sup>۴</sup> که خود آن را بخشی از طرح بازسازی کتاب حلبی معرفی کرده، اسناد منتهی به حلبی را با نگاهی به بحث تمییز مشترکات بررسی کرده است. مجید معارف و رضا قربانی زرین نیز در مقاله «مشایخ اجازه در اسناد الکافی»<sup>۵</sup> یکی دیگر از فواید بررسی اسناد را که همان شناسایی مشایخ اجازه باشد، به تصویر کشیده‌اند.

## ۱. محمد بن مسلم ثقفی

محمد بن مسلم (۱۵۰ ق) یکی از نخستین کسانی بود که برای کسب علم و معارف از منبع صحیح آن به مدینه مهاجرت کرد. مدت چهار سال در مدینه اقامت داشت<sup>۶</sup> و در همان مدت از امام باقر علیه السلام سی هزار حدیث و از امام صادق علیه السلام شانزده هزار حدیث

لایحضره الفقیه و رجال اسانید کتاب الفقیه او طبقات رجاله ۵. رجال اسانید کتاب الکافی او طبقات رجاله ۶. رجال اسانید کتاب رجال الکشی و فهرست الشیخ الطوسی و فهرست الشیخ النجاشی او طبقات رجالها. ۷. رجال اسانید کتاب التهذیب او طبقات رجاله. (المنهج الرجالی و العمل الرائد فی الموسوعة الرجالیة لسید الطائفة آیت الله العظمی بروجردی، ص ۱۴۶)

۱. «روش شناسی آیت الله بروجردی در کشف سندهای مرسل با تاکید بر کتاب الموسوعة الرجالیة».

۲. این کتاب توسط انتشارات دارالحدیث در دو جلد در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.

۳. مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۱۹-۱۵۰، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۵.

۴. مجله علوم حدیث، ص ۳۴-۵۸، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸.

۵. مجله علوم حدیث، ص ۶۸-۸۴، شماره ۵۱، بهار ۱۳۸۸.

۶. رجال الکشی، ص ۱۶۷، ش ۲۸۰ «عن ابن ابي عمير، عن هشام بن سالم، قال: أقام محمد بن مسلم بالمدينة

أربع سنين يدخل على أبي جعفر يسأله، ثم كان يدخل على جعفر بن محمد يسأله».

آموخت.<sup>۱</sup> این روحیه پرسشگری اندوخته‌های علمی محمد بن مسلم را به جایی رساند که دو تن از مهم‌ترین راویان یعنی عبدالرحمان بن حجاج و حماد بن عثمان او را فقیه‌ترین فرد در میان شیعیان بنامند: «ما کان احد من الشیعه افقه من محمد بن مسلم»<sup>۲</sup> جایگاه محمد بن مسلم در میان فقیهان عصر خود به حدی بلند بود که هشام بن سالم و زراره او را رافع اختلافات خود قرار داده بودند.<sup>۳</sup>

محمد بن مسلم با تکیه بر اندوخته‌های علمی خود بر مسندی تکیه زد که گره از معضلات علمی راویانی چون عبدالله بن ابی یعفور می‌گشاید؛ ابن‌ابی‌یعفور به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند: همیشه امکان آن نیست که خدمت شما برسم و از طرفی با بضاعت علمی خود پاسخ به همه پرسش‌های مردم در توان من نیست، حضرت به او می‌فرماید: «فما یمنعک من محمد بن مسلم الثقی؟ فإنه قد سمع من ابی و کان عنده وجیها»<sup>۴</sup> اینکه امام صادق علیه السلام بزرگانی چون ابن‌ابی‌یعفور را به محمد بن مسلم ارجاع می‌دهد شاهد مهمی بر بلندای جایگاه محمد بن مسلم در عرصه علم و دانش است؛ نجاشی با تکیه بر این گزارش‌ها او را «فقیه اصحاب» و «از مورد اعتمادترین افراد» معرفی کرده است: «وجه أصحابنا بالكوفة، فقیه، ورع، صحب أبی جعفر و أبی عبد الله و روی عنهما و کان من أوثق الناس».<sup>۵</sup>

۱. همان، «فقال محمد بن مسلم سمعت من ابی جعفر ثلاثین ألف حدیث، ثم لقیته جعفر ابنه فسمعت منه أو قال سألته عن ستة عشر ألف حدیث أو قال مسألة».

۲. همان.

۳. الاختصاص، ص ۵۳ «عن محمد بن الحسن الصفار عن إبراهيم بن هاشم عن ابن ابی عمیر أن هشام بن سالم قال له ما اختلفت أنا و زراره قط فأتینا محمد بن مسلم فسالناه عن ذلك إلا قال لنا قال أبو جعفر علیه السلام فیها کذا و کذا و قال أبو عبد الله علیه السلام فیها کذا و کذا».

۴. رجال الکشی، ص ۱۶۲، ش ۲۷۳.

۵. رجال النجاشی، ص ۳۲۳، ش ۸۸۲؛ تعبیر اوثق الناس را نجاشی فقط برای سه نفر دیگر استفاده کرده است؛ جعفر بن عبدالله راس المذری: «اوثق الناس فی حدیثه» (ص ۱۲، ش ۳۶)، علی بن اسباط: «کان اوثق الناس و اصدقهم» (ص ۲۵۲، ش ۶۶۳)، محمد بن یعقوب کلینی: «اوثق الناس فی الحدیث» (ص ۳۷۷، ش ۱۰۲۶).

محمد بن مسلم در نگاه امام صادق علیه السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود. وی در کنار سه راوی دیگر - زرارة، برید بن معاویه و مؤمن طاق - محبوب‌ترین اشخاص نزد امام صادق علیه السلام معرفی شده است.<sup>۱</sup> محمد بن مسلم از جانب حضرت با اوصافی همچون حافظ دین، امین امام در حلال و حرام خدا،<sup>۲</sup> ظرف علم الهی، امین سرّ امام باقر علیه السلام، ستاره درخشان جامعه شیعه، از بین برنده بدعت‌ها، سبب دفع بلا از مردمان<sup>۳</sup> و از اعلام دین و اوتاد زمین<sup>۴</sup> معرفی شده است.

محمد بن مسلم یکی از ارکان گسترش فقه و معارف آموخته از امامان در جامعه شیعی بود که فقیهان بلندآوازه‌ای همچون علاء بن رزین را تربیت کرد؛ نجاشی در این باره می‌نویسد: «صحاب محمد بن مسلم و فقه علیه و کان ثقة وجهاً».<sup>۵</sup> جمیل بن دراج نیز پس از نقل روایتی از امام صادق علیه السلام در توصیف برید بن معاویه، زراره، ابوبصیر و محمد بن مسلم می‌گوید: «و کنا نعرف أصحاب أبي الخطاب بیغض هؤلاء رحمة الله عليهم».<sup>۶</sup> این گزارش کوتاه نقش تأثیرگذار محمد بن مسلم در مبارزه با جریان انحرافی غالیان را به روشنی به تصویر کشیده است.<sup>۷</sup>

این فقیه بلندآوازه علاوه بر فعالیت‌های درون مذهبی، جامعه فرهنگی رقیب را نیز از

۱ رجال الکشی، ص ۱۳۵، ش ۲۱۵ «عن أبي العباس الفضل بن عبد الملك قال سمعت أبا عبد الله علیه السلام يقول أحب الناس إلي أحياء و أمواتا أربعة: برید بن معاویه العجلي و زرارة و محمد بن مسلم و الأحول و هم أحب الناس إلي أحياء و أمواتا».

۲. همان، ص ۱۳۷، ش ۲۱۹.

۳. همان، ص ۱۳۷، ش ۲۲۰.

۴. همان، ص ۲۳۸، ش ۴۳۲.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۹۸، ش ۸۱۱.

۶ رجال الکشی، ص ۱۳۷، ش ۲۲۰.

۷. اگر فعالیت‌های فقهی محمد بن مسلم منحصر در بعد فقهی و نشر آموزه عملی باشد، خود بزرگترین مبارزه با جریان انحرافی غلو است و مایه نفرت‌پراکنی از جانب غالیان است چرا که اباحی‌گری و بی‌بندوباری یکی از آموزه‌های انحرافی غالیان بود.

فقه و معارف شیعه بی بهره نگذارده بود و نقشی محوری در فرهنگ‌گستری داشت؛ او بر قضاوت ابن ابی لیلی - باتکیه بر کتابی که از روایات امام باقر علیه السلام گرد آورده بود - اعتراض کرد و آن را نپذیرفت، سپس نوشته خود را در اختیار او قرار داد و او از قضاوت اشتباه خود دست کشید.<sup>۱</sup> در نمونه‌ای دیگر ابن ابی لیلی خود پیش از حکم کردن نزد محمد بن مسلم رفته و پس از پرسش از حکم مسئله، قضاوت خود را مطابق آن قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

## ۲. کتاب محمد بن مسلم

نجاشی درباره کتاب محمد بن مسلم در عبارت کوتاهی می‌نویسد: «له کتاب یسمی الأربعمائة مسألة في أبواب الحلال و الحرام» و سپس طریق خود به کتاب را بیان می‌کند: «أخبرنا أحمد بن علي قال حدثنا ابن سفيان عن حميد قال: حدثنا حمدان القلانسي قال: حدثنا السندي بن محمد عن العلاء بن رزين عنه به»<sup>۳</sup> به نظر می‌رسد مقصود از عنوان کتاب آن نیست که محمد بن مسلم کتابی با چهارصد پرسش و پاسخ فقهی تألیف کرده، بلکه مراد آن است که این کتاب چهارصد قاعد یا فرع فقهی را در بر می‌گرفته، ذیل هر قاعده روایات مرتبط با آن درج شده است. می‌توان به دو قاعده «کل ما زاد او نقص عن الخلقة الاصلية فهو عيب» و «رد الجيس و انفاذ المواريث» اشاره کرد.

در روایتی پیرامون قضاوت نادرست ابن ابی لیلی - که از اعتبار بالایی برخوردار

۱. الکافی، ج ۷ ص ۳۴ ح ۲۷.

۲. همان، ج ۵، ص ۲۱۵. کشی در گزارش جالب دیگری می‌نگارد: زنی به محمد بن مسلم رجوع کرد و از او پرسید: مادری در هنگام زایمان وفات کرده، اما کودک در شکم او زنده است چه کنیم؟ محمد بن مسلم در پاسخ می‌گوید: از امام باقر علیه السلام همین مسأله پرسیده شد. حضرت فرمود: باید شکم میت شکافته شود و بچه خارج گردد؛ و باید به همین حکم عمل کند. در ادامه محمد بن مسلم از آن زن می‌پرسد: من مردی ناشناس (رجل فی ستر) هستم چه کسی تو را سراغ من فرستاده؟ گفت نزد ابوحنیفه رفتم او پاسخ من را نمی‌دانست و گفت سراغ محمد بن مسلم برو و حکم او را بگیر و به من نیز تعلیم نما. محمد بن مسلم فردای آن شب به مسجد می‌رود و می‌بیند ابوحنیفه همین مسأله را از شاگردانش سوال می‌کند! وی با سرفه کردن ابوحنیفه را از حضور خود آگاه می‌کند. ابوحنیفه می‌گوید: «اللهم غفرا دعنا نعیش» (رجال الکشی، ص ۱۶۳، ش ۲۷۵).

۳. رجال النجاشی، ص ۳۲۳، ش ۸۸۲.



است<sup>۱</sup> - نکات قابل توجهی پیرامون کتاب محمد بن مسلم بیان شده است:

عن عمر بن أذينة قال: كنت شاهد ابن أبي ليلى فقضى في رجل ... فقال ابن أبي ليلى هذا عندك في كتاب قال نعم قال فأرسل واثنتي به قال له محمد بن مسلم على أن لا تنظر في الكتاب إلا في ذلك الحديث قال لك ذاك قال فأراه الحديث عن أبي جعفر عليه السلام في الكتاب فرد قضيته<sup>۲</sup>.

نکات قابل استفاده از این گزارش به شرح ذیل است:

۱. محمد بن مسلم دفتری حدیثی داشته<sup>۳</sup> - برخلاف نظر برخی پژوهشگران که محمد بن مسلم را فاقد هرگونه نگاشته حدیثی می دانند<sup>۴</sup> که شنیده‌های خود از صادقین علیهم السلام را در آن گرد آورده است.

۱. علی بن ابراهیم: ثقة في الحديث ثبت معتمد صحيح المذهب (رجال النجاشی، ص ۲۶۰، ش ۶۸۰): ابراهیم بن هاشم: أول من نشر حديث الكوفيين بقم (همان، ص ۱۶، ش ۱۸): ابن ابی عمیر: جلیل القدر عظیم المنزله فینا و عند المخالفین (همان، ص ۳۲۶، ش ۸۸۷): عمر بن اذینه: شیخ أصحابنا البصریین و وجههم (همان، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲).

۲. الکافی، ج ۷ ص ۳۵.

۳. مدرسی طباطبائی این احتمال را مطرح کرده که این دفتر حدیثی، دفتر حدیثی دیگری است که در اختیار محمد بن مسلم بوده است (میراث مکوب شیعه، ص ۴۱۶): اما باتوجه به ظاهر روایت این احتمال پذیرفتنی نیست؛ چراکه محمد بن مسلم در جواب قضاوت ابن ابی لیلی می گوید: «سمعت أبا جعفر محمد بن علی عليه السلام يقول قضي أمير المؤمنين» ابن ابی لیلی می پرسد: «هذا عندك في كتاب» و محمد بن مسلم پاسخ می دهد: «نعم» از این پرسش و پاسخ استفاده می شود که در این کتاب شنیده‌های خود محمد بن مسلم وجود داشته، نه آنکه شنیده‌های شخص دیگری باشد.

۴. محمد عمادی حائری به صراحت وجود هرگونه کتاب به نگارش محمد بن مسلم را نفی می کند: «ان محمد بن مسلم لم يكن له مصنف كتبه بقلمه ابدا ولكن نسبت اليه في تلك الحقبة مصنفات هي في حقيقه الامر ما جمعه الاخرون من مروياته» (مسائل محمد بن مسلم كتاب من تصنيفه او مما جمعه الاخرون من مروياته؟: مجله تراثنا، ش ۱۲۵، ص ۳).

۲. این کتاب دارای احادیث مختلفی بوده که برخی از این احادیث مختص شیعه و در اصطلاح تقیه‌های است، چنان‌که محمد بن مسلم شرط می‌کند که تنها در همان حدیث مرتبط نگاه کند.

۳. این کتاب مجموعه منسجم و به هم متصل بوده است؛ به عبارتی دیگر روایات محمد بن مسلم به صورت پاره نوشته‌هایی غیر متصل نبوده و گرنه محمد بن مسلم همان حدیث را از میان پاره نوشته‌ها جدا کرده و در اختیار ابن ابی لیلی قرار می‌داد و دیگر نیاز به شرط پیش‌گفته نبود.

به نظر می‌رسد کتاب محمد بن مسلم از شهرت قابل توجهی برخوردار بوده؛ چنان‌که محمد تقی مجلسی<sup>۱</sup> و علامه مجلسی<sup>۲</sup> به آن اشاره کرده‌اند و از برخی گزارش‌ها نیز استفاده می‌شود.<sup>۳</sup> همچنین این کتاب یکی از منابع قاضی نعمان مغربی (۳۶۳ ق) در کتاب الايضاح<sup>۴</sup> است که از آن با عنوان «مسائل» یاد کرده و هفت روایت از این کتاب را با طریقی

۱. روضه المتقین، ج ۱، ص ۲۷۹ «لکن قلنا إن الكتب المشهورة سيما مثل كتاب محمد بن مسلم لا يحتاج إلى الطريق».

۲. بحار الأنوار، ج ۸۵، ص ۲۷۲ «و سنده إلى كتاب محمد بن مسلم وإن كان فيه جهالة لكن كتابه كان أشهر من أكثر الأصول».

۳. تهذیب الأحكام، ج ۹، ص ۳۴۰ «علي بن الحسن بن فضال عن أيوب بن نوح عن صفوان بن يحيى قال قرأت في كتاب لمحمد بن مسلم أخذته من مخلد بن حمزة بن بيض زعم أنه كتاب محمد بن مسلم»؛ از این گزارش بر می‌آید که محمد بن مسلم دارای کتابی حدیثی بوده است، چراکه مخلد بن حمزه گمان کرده که کتاب، کتاب محمد بن مسلم است، گرچه امکان دارد که مخلد در این باور خود خطا کرده باشد، اما این گزارش برای اثبات شهرت کتاب محمد بن مسلم کافی است.

۴. الايضاح، متنی فقهی و مفصل برپایه روایات معصومان - از پیامبر اکرم ﷺ تا امام صادق علیه السلام - بوده که در ۲۲۰ باب در سه هزار صفحه تدوین شده بود. متأسفانه متن کامل الايضاح باقی نمانده و تنها اندکی از آن (بخشی از کتاب «الصلاة») در یک نسخه خطی منحصر به فرد برجای مانده است، تصویر این نسخه از دانشگاه توبینگن آلمان توسط دکتر سیدحسین مدرسی طباطبائی به ایران - کتابخانه آیت الله مرعشی - منتقل شده است. این نسخه کوچک توسط محمدکاظم رحمتی تحقیق و تصحیح شده و به سال ۲۰۰۷ توسط موسسه الاعلمی در بیروت به چاپ رسیده است. (بازسازی متون کهن حدیث شیعه،

متفاوت نسبت به کتاب‌های حدیثی مشهور روایت می‌کند هرچند در این طریق نیز علاء بن رزین راوی کتاب محمد بن مسلم است.<sup>۱</sup>

### ۳. پرتکرارترین راویان مستقیم محمد بن مسلم

چهار راوی بیشترین روایت را از محمد بن مسلم، در کتب اربعه، نقل کرده‌اند.

#### ۱.۳. علاء بن رزین القلاء

«علاء بن رزین القلاء فقه را نزد محمد بن مسلم آموخت<sup>۲</sup> و به تعبیر شیخ طوسی پر روایت‌ترین شخص از محمد بن مسلم است.<sup>۳</sup> نجاشی و طوسی به جلالت قدر و وثاقت وی تصریح کرده‌اند.<sup>۴</sup> نجاشی یک طریق برای کتاب علاء بن رزین ذکر کرده است،<sup>۵</sup> اما شیخ طوسی کتاب وی را دارای چهار نسخه می‌داند که به روایت چهار فرد مشهور است: ۱- روایت حسن بن محبوب؛<sup>۶</sup> ۲- روایت محمد بن خالد طیالسی؛<sup>۷</sup> ۳- روایت محمد بن ابی الصهبان؛<sup>۸</sup> ۴- روایت حسن بن علی بن فضال.<sup>۱</sup> صفوان بن یحیی، حسن بن

ص ۴۳۳).

۱. بازسازی متون کهن حدیث شیعه، ص ۴۳۸؛ طریق: «حسین بن علی بن حسن عن ابراهیم بن سلمیان عن عمر بن ثابت عن اسماعیل عن علاء بن رزین عن محمد بن مسلم».

۲. رجال النجاشی، ص ۲۹۸، ش ۸۱۱.

۳. رجال الطوسی، ص ۲۹۴، ش ۴۲۹۳ «و أروى الناس عنه العلاء بن رزین القلاء»

۴. رجال النجاشی، ص ۲۹۸، ش ۸۱۱. «كان ثقة وجهها»؛ الفهرست، ص ۳۲۲، ش ۵۰۰ «جليل القدر ثقة».

۵. همان؛ «أخبرنا جماعة عن الحسن بن حمزة قال: حدثنا محمد بن جعفر عن الصفار عن أحمد بن محمد بن عيسى قال: حدثنا الحسن بن علاء بكتابه».

۶. منها رواية الحسن بن محبوب. أخبرنا أبو عبد الله عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله عن أحمد و عبد الله ابني محمد بن عيسى و أحمد بن أبي عبد الله البرقي و يعقوب بن يزيد و محمد بن الحسين بن أبي الخطاب و الهيثم بن أبي مسروق عن الحسن بن محبوب عن العلاء.

۷. و منها رواية محمد بن خالد الطيالسي. أخبرنا ابن أبي جيد (عن محمد بن الحسن بن الوليد) عن محمد بن الحسن الحسن الصفار عن محمد بن خالد الطيالسي؛ و أخبرنا (الحسين بن عبيد الله) عن محمد بن علي بن الحسين أبيه عن علي بن سليمان الزراري الكوفي عن محمد بن خالد عن العلاء بن رزین القلاء.

۸. و منها رواية محمد بن أبي الصهبان. أخبرنا ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن سعد بن عبد الله و الحميري عن

محبوب و علی بن الحکم به ترتیب روایات فراوانی از علاء بن رزین در الکافی روایت کرده‌اند.

### ۲.۳. حریز بن عبدالله سجستانی

حریز بن عبدالله اصلتی کوفی داشته، اما به دلیل سفرهای تجاری متعدد به سجستان به لقب «سجستانی» شهرت یافته است.<sup>۲</sup> وی بیش از ۲۰۰ حدیث به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است؛<sup>۳</sup> نمی‌توان گفت در همه این موارد واسطه ساقط شده است؛<sup>۴</sup> بنابراین گزارش یونس بن عبدالرحمن پذیرفتنی نیست.<sup>۵</sup> نجاشی سه کتاب برای حریز ذکر می‌کند؛ دو کتاب به نام «کتاب الصلاة» که یکی بزرگ و دیگری کوچک‌تر است و کتابی به نام «النوادر»،<sup>۶</sup> اما شیخ طوسی عدد کتاب‌های وی را به چهار می‌رساند؛ «کتاب الصلاة»،<sup>۷</sup> «کتاب الزکاة»،<sup>۸</sup> «کتاب الصیام» و «کتاب النوادر» و همه این کتاب‌ها را از اصول

---

محمد بن ابی الصهبان عن صفوان عن العلاء. چنانکه مشاهده می‌شود در این طریق با اینکه محمد بن الصهبان راوی مستقیم نیست، اما نسخه با نام او شهرت یافته است.

۱. و منها رواية الحسن بن علي بن فضال. أخبرنا ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن سعد و الحميري عن أحمد بن محمد عن الحسن (بن علي) بن فضال عن العلاء بن رزین.

۲. رجال النجاشی، ص ۱۴۴، ش ۳۷۵.

۳. رجال الکشی، ص ۳۸۳، ش ۷۱۶؛ یونس بن عبدالرحمن بر این باور بوده که حریز از امام صادق علیه السلام به صورت مستقیم تنها دو حدیث شنیده است.

۴. برای تحقیق بیشتر ن.ک: مقاله «تضارب آرای شیخ طوسی و نجاشی درباره حریز بن عبدالله سجستانی».

۵. معجم رجال الحدیث، ج ۴ ص ۲۵۱.

۶. همان.

۷. حماد بن عیسی کتاب الصلاة حریز را حفظ داشته و در نماز مراعات می‌کرده است: «یا حماد تحسن أن تصلي قال فقلت یا سیدی أنا أحفظ کتاب حریز فی الصلاة» (الکافی، ج ۳ ص ۳۱۱).

۸. آیت الله خوئی دلیل احتمالی ذکر نشدن این کتاب توسط نجاشی را چنین ذکر می‌کند: «ولعل الوجه في ذلك، أن النجاشي عد هذا الكتاب، من كتب حماد، فقال في ترجمته: له كتاب الزكاة، أكثره عن حريز» (معجم رجال الحدیث ج ۴ ص ۲۵۰)؛ به نظر می‌رسد نجاشی این کتاب را تالیف حماد بن عیسی می‌داند.

می‌داند.<sup>۱</sup> شیخ صدوق در مقدمه الفقیه کتاب حریر را نخستین منبع معتبر و مشهور خود معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

از مجموع ۵۸۳ روایت حریر در کتاب الکافی، ۵۰۷ روایت یعنی اندکی بیش از ۸۷٪ توسط حماد بن عیسی جهنی روایت شده است. نجاشی و شیخ طوسی مجموعاً پنج طریق - نجاشی دو طریق و شیخ طوسی سه طریق - به کتب حریر ذکر می‌کنند که همه این پنج طریق به حماد بن عیسی ختم می‌شود. آیت‌الله خوبی در عبارت «و طریقه الصدوق . کطریق الشیخ الیه صحیح» به صحیح بودن طریق صدوق و طوسی به کتاب حریر تصریح کرده است.<sup>۳</sup> کتاب حریر به صورت متنی مستقل دستکم تا اواخر قرن ششم وجود داشته است؛ ابن ادریس (۵۹۸ ق) در السرائر پس از نقل روایاتی از این کتاب می‌نویسد: «تمت الأخبار المنتزعة من کتاب حریر بن عبد الله السجستانی رحمه الله و کتاب حریر أصل معتمد معول علیه».<sup>۴</sup>

### ۳.۳. ابراهیم، ابویوب خراز

در نام پدر ابراهیم میان عثمان و عیسی اختلاف وجود دارد.<sup>۵</sup> نجاشی وی را «ثقه کبیر المنزلة» و شیخ طوسی او را «ثقه» خوانده است.<sup>۶</sup> به تصریح نجاشی کتاب النوادر وی راویان فراوانی داشته است که با طریق «أخبرنا محمد بن علي عن أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عنه به.» به این

۱. الفهرست، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۲.

۳. معجم رجال الحدیث، ج ۴ ص ۲۵۳.

۴. السرائر ج ۳ ص ۵۸۹.

۵. نجاشی نام وی را «عیسی» ثبت کرده و با واژه «قیل» به نام «عثمان» اشاره کرده است (رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۵)؛ کشی نیز «عیسی» ثبت کرده است (رجال الکشی، ص ۳۶۶، ش ۶۷۹)؛ شیخ طوسی در فهرست نام «عثمان» (الفهرست، ص ۱۸، ش ۱۳) و در رجال «عیسی» ثبت کرده و با واژه قیل به نام «عثمان» اشاره کرده است (رجال الطوسی، ص ۱۶۷، ش ۱۹۳۵).

۶. رجال النجاشی، ص ۲۰، ش ۲۵؛ الفهرست، ص ۱۸، ش ۱۳.

کتاب دسترسی دارد. شیخ طوسی نیز با طریق «أخبرنا به أبو الحسين بن أبي جيد عن محمد بن الحسن بن الوليد و أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان عن أحمد بن محمد بن الحسن بن الوليد عن أبيه عن محمد بن الحسن الصفار عن يعقوب بن يزيد عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن محمد بن أبي عمير و صفوان بن يحيى عن أبي أيوب الخزاز.»<sup>۱</sup> سه تن از سرشناس ترین روایان یعنی حسن بن محبوب، صفوان بن يحيى و ابن ابی عمیر بدون واسطه از روایان کتاب ابراهیم خراز هستند. آیت الله خویی طریق شیخ و طریق صدوق<sup>۲</sup> به این کتاب را صحیح می داند.<sup>۳</sup>

### ۴.۳. عمر بن اذینه

عمر بن محمد بن بن عبدالرحمن بن اذینه با ۴۹ روایت از محمد بن مسلم چهارمین راوی پرتکرار وی است. از عمر بن اذینه ۳۸۰ روایت در الکافی روایت شده که ابن ابی عمیر با ۲۸۴ روایت بیشترین نقل از عمر بن اذینه را به خود اختصاص داده است. عده‌ای از دانشیان رجال نام وی را محمد ذکر کرده‌اند که به نام پدرش (عمر) مشهور شده است.<sup>۴</sup> نجاشی کتابی با عنوان «کتاب الفرائض» برای وی نام برده که طریق خود به این کتاب را به ابن ابی عمیر می‌رساند،<sup>۵</sup> اما شیخ طوسی پس از توثیق وی دو کتاب با دو طریق متفاوت برای ابن اذینه ذکر می‌کند که یکی از آن‌ها دارای دو نسخه کوچک و بزرگ است.<sup>۶</sup> ابن اذینه اصالتی کوفی داشت اما در بصره زندگی می‌کرد، وی از ترس خلیفه

۱. همان.

۲. من لایحضره الفقیه ج ۴ ص ۴۶۹ «و ما کان فیہ عن ابي أيوب الخزاز فقد رویته عن محمد بن موسى بن المتوکل - رضي الله عنه - عن عبد الله بن جعفر الحميري، عن محمد بن الحسين بن أبي الخطاب عن الحسن بن محبوب، عن أبي أيوب إبراهيم بن عثمان الخزاز و يقال إنه إبراهيم ابن عيسى».

۳. معجم رجال الحديث، ج ۱ ص ۲۶۷.

۴. الرجال، ص ۳۱۳، ش ۴۶۵۵؛ رجال الکشی، ص ۳۳۵، ش ۶۱۲؛ رجال البرقی، ص ۲۱.

۵. رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲.

۶. الفهرست ص ۳۲۴، ش ۵۰۴.

عباسی به یمن گریخت و در آنجا وفات کرد.<sup>۱</sup>

#### ۴. تحلیل پرتکرارترین طرق کلینی به محمد بن مسلم

پیش‌تر اشاره شد که جوامع حدیثی (الکافی، من لایحضره الفقیه، تهذیب الاحکام و الاستبصار) و نیز تک‌نگاری‌ها معتبر حدیثی (کتب صدوق، بصائرالدرجات، کامل الزیارات و المحاسن) بر پایه منابع مکتوب شکل گرفته است. این بدان معناست که مؤلفان این کتاب‌ها با استفاده از منابعی که پیش‌تر تألیف شده به تدوین کتاب خود اقدام کرده‌اند.<sup>۲</sup> منابع پیشین به دو قسم منابع اولیه و منابع ثانویه تقسیم می‌شوند؛ منابع اولیه یا همان اصول، منابعی هستند که روایات موجود در آن پیشینه مکتوبی نداشته و شفاهی به آنها راه یافته‌اند، این روایات معمولاً بدون واسطه از معصوم یا دست‌کم با یک واسطه شنیده و ثبت شده‌اند. کتاب عبید الله بن علی حلبی،<sup>۳</sup> کتاب اسماعیل بن ابی زیاد السکونی،<sup>۴</sup> کتاب الحج معاویه بن عمار الدهنی<sup>۵</sup> و دیگر نگاشته‌های دست‌اول حدیثی اینگونه هستند؛ اما منابع ثانویه یا همان تصنیفات، نگاشته‌هایی هستند که از منابع اولیه تنظیم و نگاشته شده و پیشینه‌ای مکتوب دارند.<sup>۶</sup> ممکن است برخی مؤلفان بآنکه در عصر

۱. رجال الکشی، ص ۳۳۵، ش ۶۱۲؛

۲. ن.ک: بازسازی متون کهن حدیثی، مقاله «پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه»، ص ۱۵۳-۱۷۳؛ میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ص ۱۵-۱۶؛ «نظریه ابتناء کتب حدیثی موجود شیعه بر مکتوبات سه قرن اول هجری با تأکید بر کتاب کافی».

۳. ن.ک: «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تدوین الکافی».

۴. بیش از ۹۹ درصد روایات سکونی در جوامع حدیثی شیعه به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام روایت شده است؛ بنابراین این کتاب نیز از منابع اولیه به شمار آمده و از کتاب دیگری اخذ نشده است.

۵. حجم قابل توجهی از روایات نقل شده از معاویه بن عمار (بیش از ۹۵ درصد) نیز به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام روایت شده است.

۶. باتوجه به تحلیل ماهیت و ساختار نخستین نگاشته‌های حدیثی می‌توان نگاشته‌های حدیثی را به دو قسم منابع اولیه و منابع ثانویه تقسیم کرد. در این میان منابع قدیمی‌تر که پیشینه مکتوبی ندارند - یا دست‌کم پیشینه منسجم و قابل عرضه مکتوبی نداشته‌اند - از شمار منابع اولیه هستند که از برخی آنان

معصومان می زیسته اند. همانند حسن بن محبوب، صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر. تنها نگاشته هایی از جنس منابع ثانویه داشته باشند.

شیخ صدوق در مقدمه «کتاب من لایحضره الفقیه» برخی از منابع خود را بیان کرده که از هر دو قسم پیش گفته منابعی در آن وجود دارد:

و جمیع ما فیہ مستخرج من کتب مشهوره علیها المعول و إليها المرجع مثل کتاب حریر بن عبد الله السجستانی و کتاب عبید الله بن علی الحلبي و کتب علی بن مهزیار الأهوازي و کتب الحسين بن سعید و نوادر أحمد بن محمد بن عیسی و کتاب نوادر الحکمة تصنیف محمد بن أحمد بن یحیی بن عمران الأشعري و کتاب الرحمة لسعد بن عبد الله و جامع شیخنا محمد بن الحسن بن الولید رضي الله عنه و نوادر محمد بن أبي عمیر و کتب المحاسن لأحمد بن أبي عبد الله البرقي - و رسالة أبي رضي الله عنه إلي و غيرها من الأصول و المصنفات

در این لیست تنها کتاب عبیدالله بن علی حلبی و. به احتمال فراوان. کتاب حریر بن عبدالله سجستانی را می توان از منابع اولیه قلمداد کرد. نکته جالب توجه آنکه شیخ صدوق نیز خود منابعش را به دو قسم اصول و مصنفات تقسیم کرده که مقصود همان منابع اولیه و ثانویه است.

این پدیده، تحلیل اسناد. به هدف پی بردن به منابع موجود در الکافی. را دچار چالشی جدی کرده است؛ به عنوان مثال اگر سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن معاویه بن عمار» تحلیل شود، تشخیص آن که کلینی حدیث را از کتاب النوادر ابن ابی عمیر روایت کرده یا از کتاب معاویه بن عمار بسیار دشوار است. دسترسی داشتن یا نداشتن کلینی به کتاب معاویه بن عمار در پاسخ به این پرسش چندان سودمند نیست؛ چراکه ممکن است کلینی حتی در صورت دسترسی به کتاب معاویه بن عمار، کتاب النوادر ابن ابی عمیر را منبع برای نقل این روایت قرار داده باشد. مشابه این پدیده در کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی نیز دیده می شود؛ در موارد متعددی شیخ طوسی کتاب الکافی کلینی

---

به اصل تعبیر می شود. در برابر این مفهوم، مفهوم تنصیف قرار دارد. ن.ک: عباس مفید «گونه شناسی نخستین نگاشته های حدیثی».



را محور قرار داده و به صورت مستقیم از کتاب الکافی روایت می‌کند نه از منابع اولیه و یا حتی ثانویه.<sup>۱</sup>

نکته دیگری که مشکل تحلیل منابع کلینی را بیشتر می‌کند آن است که بسیاری از رجال موجود در اسناد از مشایخ اجازه هستند یعنی تنها نقش واسطه انتقال کتاب را ایفا می‌کنند. تشخیص مشایخ اجازه احتمالی در برخی اسناد چندان دشوار نیست؛ یکی از روش‌های کشف مشایخ اجازه آن است که راوی از صاحبان کتاب نباشد،<sup>۲</sup> مثلاً اسماعیل بن مرار که در طریق ۱۱۱ سند در الکافی قرار گرفته<sup>۳</sup> چون خود صاحب کتاب نیست به احتمال فراوان در این اسناد تنها واسطه انتقال کتاب است. جالب آنکه در همه این اسناد راوی قبل از وی یونس بن عبدالرحمن است و راوی پس از وی ابراهیم بن هاشم است؛ بنابراین می‌توان گفت در این اسناد اسماعیل بن مرار تنها نقش انتقال کتاب را دارد.<sup>۴</sup> اما در سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن معاویه بن عمار» تشخیص آنکه ابن ابی عمیر همچون ابراهیم بن هاشم تنها شیخ اجازه باشد دشوار است؛ البته روش‌هایی برای پی بردن به مشایخ اجازه وجود دارد.<sup>۵</sup> مهم‌ترین پیامد کشف شیخوخة اجازه یک روای در اعتبار سنجی روایات وی ظاهر می‌شود.<sup>۶</sup>

---

۱. «مصادر الشیخ الطوسی قدس سره فی کتاب تهذیب الاحکام»، ص ۱۰.

۲. رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۵۵؛ بحر العلوم در پاسخ کسانی که ابراهیم بن هاشم را از مشایخ اجازه می‌دانند صاحب کتاب بودن وی را دلیل ضعف این ادعا می‌داند.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۶۷ و ص ۱۵۷ و ج ۲، ص ۴۱۸.

۴. با استناد به این معیار می‌توان احمد بن محمد الحسن بن الولید را از مشایخ اجازه دانست (الوجیزة فی علم الرجال، ص ۲۳) که علیرغم روایات فراوانی (۵۸۶ روایت) که در کتب اربعه دارد، اما هیچ اطلاعاتی در کتب رجالی از وی موجود نیست. احمد بن محمد بن یحیی العطار نیز از دیگر مشایخ اجازه است. (همان، ص ۲۴) محمد بن اسماعیل نیشابوری نیز از دیگر مشایخ اجازه است که در طریق ۸۳۶ روایت از کتب اربعه قرار دارد (رجال السید بحر العلوم، ج ۳ ص ۲۵).

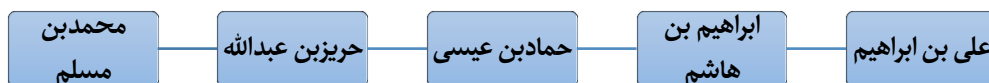
۵. ن.ک: «مشایخ اجازه در اسناد الکافی».

۶. برخی حدیث پژوهان قائل به وثاقت جمیع مشایخ اجازه هستند، همچون، شهید ثانی (الرعاية فی علم

با این وجود اما به طور قطع می‌توان گفت که نگاشته‌های حلقه اولیه اصحاب صادقین علیهم‌السلام در واقع منبع اصلی تمام منابع پس از خود هستند؛ بنابراین با تحلیل طرق صاحبان جوامع حدیثی - در این نوشتار الکافی - می‌توان تا حدودی کیفیت ارتباط کلینی با منبع یا منابع نخستین را کشف کرد. علاوه بر آن بسیاری از خلل‌های موجود در اسناد با تحلیل طرق و یکپارچه‌بینی تمام طرقی که به یک شخص منتهی می‌شود، قابل کشف است.<sup>۱</sup> در ادامه به بررسی طرقی که به کتاب محمد بن مسلم ختم می‌شود، پرداخته می‌شود؛ محمد بن مسلم مجموعاً در طریق ۸۶۷ روایت قرار دارد،<sup>۲</sup> که از این میان ۶۱۷ روایت (بیش از ۷۲٪)، توسط شش نفر روایت شده است.<sup>۳</sup>

## ۱.۴. طرق حرز بن عبدالله سجستانی

(نمودار شماره ۱)



حرز بن عبدالله سجستانی با ۱۳۰ نقل دومین راوی پر روایت محمد بن مسلم است.

الدراية، ص ۱۹۲) و شیخ بهایی (مشرق الشمسین، ص ۲۷۷) و برخی نیز بر این باور هستند که حتی اگر وثاقت مشایخ اجازه ثابت نشود، باز هم وجود مشایخ اجازه ضروری در صحت سند ندارد؛ همچون بحرالعلوم (رجال السید بحرالعلوم، ج ۳ ص ۲۵) و محمد تقی مجلسی (روضه المتقین ج ۴ ص ۲۴۲).

۱. مقاله «کتاب حلبی منبعی مکتوب در تألیف الکافی» پس از بررسی طرق منتهی به عبید الله بن علی حلبی و محمد بن علی حلبی، در انتهای مقاله به بیست نکته جالب که از این بررسی به دست آمده توجه می‌دهد.

۲. در این آمار همه اسناد ترکیبی از یکدیگر تفکیک شده اند؛ مثلاً سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عیسی و محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان عن حماد بن عیسی عن ربیع بن عبدالله عن محمد بن مسلم» (الکافی، ج ۱، ص ۴۲) از اسناد تحویلی است (عطف دو راوی یا بیشتر در سند را تحویل یا حیلوله می‌گویند؛ توضیح الاسناد المشکله فی کتب الاربعه، ص ۲۰) که در واقع دو سند لحاظ شده است؛ و یا اسنادی که با «عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه‌السلام و ابی جعفر علیه‌السلام» نیز ختم می‌شود دو سند محاسبه شده است.

۳. آمارهای موجود، با استفاده از نرم افزار درایة النور استخراج شده است.

از این تعداد ۹۹ روایت در نمودار بالا قرار می‌گیرد که از پرتکرارترین اسناد الکافی است.<sup>۱</sup> این سند در شش مورد با سند تحویلی «محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان عن حماد»<sup>۲</sup> تقویت شده است. در این طریق حریز بن عبدالله و حماد بن عیسی (۲۰۸ و ۲۰۹ ق) هر دو کتاب‌هایی دارند<sup>۳</sup> که ممکن است منبع مستقیم کلینی برای نقل این روایات باشد. برای احتمال منبع مستقیم بودن هر دو کتاب شواهدی مطرح می‌شود:

#### ۱.۱.۴. شواهد منبع مستقیم بودن کتاب حریز

شیخ طوسی یکی از طرق خود به کتاب حریز را طریق «و أخبرنا الحسين بن عبيد الله عن أبي محمد الحسن بن حمزة العلوي عن علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد عن حریز»<sup>۴</sup> ذکر می‌کند که مطابق الگوی فوق است، به همین جهت احتمال اینکه روایات این سند به صورت مستقیم از کتاب حریز نقل شده باشد، تقویت می‌شود.<sup>۵</sup> کلینی در مجموع ۴۰۰ روایت به طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد عن حریز» روایت می‌کند.<sup>۶</sup> که موارد فراوانی (۱۵۰ مورد) به زراره ختم می‌شود،<sup>۷</sup> این نشان می‌دهد که حجم عمده کتاب حریز دربرداخته روایات این دو راوی سرشناس (زراره و محمد بن مسلم) بوده است.

۱. به عنوان نمونه: الکافی، ج ۲، ص ۳۱۹ و ص ۴۱۸ و ص ۶۳۷، ج ۳، ص ۷ و ص ۱۹.

۲. نمونه: الکافی، ج ۳، ص ۳۹۳ و ص ۴۶۳ و ص ۲۱.

۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰ «حماد بن عسی الجهنی: له كتاب الزكاة أكثر عن حریز... له كتاب الصلاة»؛ همان، ص ۱۴۴، ش ۳۷۵ «حریز بن عبدالله: له كتاب الصلاة كبير و آخر أطف منه و له كتاب نوادر».

۴. الفهرست، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹.

۵. باتوجه به این طریق می‌توان گفت که کتاب حریز توسط ابراهیم بن هاشم به قم منتقل شده است و در دسترس کلینی قرار گرفته است و سپس توسط حسن بن حمزه علوی به بغداد منتقل شده است. کتاب حریز توسط حسین بن عبیدالله الغضائری به شیخ طوسی منتقل می‌شود.

۶. این طریق ۵۳ مرتبه با طریق تحویلی «محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان عن حماد عن حریز» و ۳۳ مرتبه با طریق تحویلی «محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن حماد عن حریز» تقویت شده است.

۷. «الگویابی اسناد کلینی به کتاب زراره بن اعین»، ص ۱۰.

قرینه دیگر تقویت این احتمال آنکه کتاب حریرز متنی بسیار مشهور بوده است؛ این کتاب در حوزه حدیثی بغداد با طرق بسیار معتبر - که در تمام طبقات به وسیله قرائت منتقل شده است -<sup>۱</sup> متداول و محل رجوع محدثان بوده است. کتاب حریرز در حوزه حدیثی قم نیز رواج چشم‌گیری داشته، شیخ صدوق آن را به عنوان نخستین منبع مشهور و معتمد خود معرفی می‌کند،<sup>۲</sup> همچنین عده‌ای از مشایخ سرشناس قم مانند علی بن بابویه، سعد بن عبدالله، عبدالله بن جعفر، احمد بن ادریس، محمد بن یحیی العطار در طریق انتقال کتاب قرار داشته‌اند.<sup>۳</sup> کتاب حریرز در دسترس ابن ادریس (۵۹۸ ق) نیز قرار داشته که از آن روایاتی را به صورت مستقیم نقل می‌کند.<sup>۴</sup>

ناگفته نماند با توجه به الگوی فوق می‌توان در رابطه با سند «علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عثمان عن حریرز عن زرارۀ و محمد بن مسلم»<sup>۵</sup> گفت: بدون تردید حماد بن عثمان در این طریق تصحیف حماد بن عیسی است چون نه تنها حماد بن عثمان روایتی از حریرز نقل نکرده، بلکه ابراهیم بن هاشم نیز هیچ روایتی از حماد بن عثمان ندارد.<sup>۶</sup>

#### ۲.۱.۴. شواهد منبع مستقیم بودن کتاب حماد بن عیسی

یکی از راه‌های کشف منابع مستقیم مؤلفان، توجه به طرق تحویلی<sup>۷</sup> است؛<sup>۸</sup> در محل بحث، در موارد متعددی، طرق تحویلی هست که به حماد بن عیسی ختم می‌شود؛ «علی

۱. رجال النجاشی، ص ۱۴۴، ش ۳۷۵

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱ ص ۲.

۳. الفهرست، ص ۱۶۲، ش ۲۴۹.

۴. السرائر، ج ۳، ص ۵۸۵.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۱۴۴، ح ۵.

۶. معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۲۲۰ «و ذلك لعدم ثبوت رواية ابراهيم بن هاشم عن حماد بن عثمان مع كثرة رواية كل واحد منهما»، سند ذکر شده در (الکافی، ج ۴، ص ۲۸۶، ح ۶) نیز تصحیف «حماد بن عسی» به «حماد بن عثمان» است.

۷. عطف دو راوی و بیشتر در یک طبقه بر دو راوی و بیشتر در طبقه دیگر در اسناد روایات تحویل نام دارد. توضیح الاسناد المشکله، ج ۱، ص ۲۰.

۸. التعریف بالکلینی و الکافی، ج ۱، ص ۳۰۴ مقاله «پژوهشی جدید در کتاب کافی».

بن ابراهیم عن ایبه و محمد بن اسماعیل عن فضل بن شاذان عن حماد عن حریز<sup>۱</sup> و طریق «علی بن ابراهیم عن ایبه و محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن حماد عن حریز»<sup>۲</sup> بسیار تکرار شده است. با توجه به این اسناد تحویلی، این احتمال وجود دارد که حماد بن عیسی، منبع مستقیم کلینی در نقل از حریز باشد. در کنار اسناد تحویلی، تعلیق<sup>۳</sup> نیز روش دیگری است که برای کشف منابع مستقیم به کار می‌آید.<sup>۴</sup> حماد بن عیسی در مواردی از اسناد کافی در ابتدای سند قرار گرفته<sup>۵</sup> که احتمال منبع مستقیم بودن کتاب حماد را تقویت می‌کند.

اما به نظر می‌رسد اسناد تحویلی به حماد بن عیسی نمی‌تواند شاهد محکمی برای منبع مستقیم بودن کتاب الکافی باشد؛ چه اینکه اسناد تحویلی در موارد فراوانی، تحویل در طریق به صاحب کتاب است نه تحویل به خود صاحب کتاب؛<sup>۶</sup> سید محمد جواد شبیری نیز به این نکته توجه داده است.<sup>۷</sup> همچنین تعلیق به سند پیشین و شروع با نام

۱. به عنوان نمونه، ج ۳، ص ۴۶۴ و ۴۶۳ و ص ۲۱ و ص ۴۳۶.

۲. به عنوان نمونه، ج ۳، ص ۴۵۸.

۳. حذف ابتدای سند تعلیق نام دارد که در بسیاری موارد با توجه به تکیه بر سند قبل این تعلیق رخ داده است. توضیح الاسناد المشکله ج ۱ ص ۲۵.

۴. سید محمد جواد شبیری در این خصوص آورده است: معمولا علت تعلیق، اخذ از کتب است و کسی که در اول اسناد معلق واقع است، مؤلف کتاب مصدر احادیث است. التعریف بالکلینی و الکافی، ج ۱، ص ۳۰۳ مقاله «شناخت نامه کلینی و الکافی».

۵. الکافی، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۵-۲؛ ج ۳، ص ۵۵۳، ح ۱-۲؛ ج ۳، ص ۵۳، ح ۱-۲.

۶. امروزه تقریبا تردیدی وجود ندارد که کتاب حلبی منبع مستقیم کلینی در تدوین کتاب الکافی است، با این وجود اسناد تحویلی متعددی به دیگر روایانی وجود دارد که صرفا طریق (شیخ اجازه) هستند؛ به عنوان نمونه سند تحویلی «علی بن ابراهیم عن ایبه و محمد بن یحیی عن احمد بن محمد جمیعا عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي» در موارد متعددی (حدود ۲۶ مورد) تکرار شده است (الکافی، ج ۷، ص ۲۸۳؛ ج ۵، ص ۱۸۶؛ ج ۵، ص ۳۹۲) اما این بدان معنا نیست که کتاب ابن ابی عمیر منبع مستقیم کلینی در نقل روایات حلبی است.

۷. سید محمد جواد شبیری در این زمینه آورده است: استفاده از این قرینه (طرق تحویلی برای کشف

راوی دست‌کم در رابطه با کتاب حماد نتیجه‌بخش نیست؛ زیرا اولاً تعداد اسناد تعلیقی و شروع با نام حماد اندک است و ثانیاً تعلیق به حریر نیز در طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عیسی عن حریر» در اسناد کافی دیده می‌شود. به اسناد ذیل توجه شود.

۱- علی بن ابراهیم عن ابیه عن حماد بن عیسی عن حریر عن زرارة...

۲- حماد بن عیسی عن حریر عن ابی بصیر عن ابی جعفر علیه السلام...

۳- حریر عن عبید بن زرارة عن ابی عبد الله علیه السلام...

۴- حریر عن زرارة قال: سألت أبا عبد الله علیه السلام...

آیا می‌توان گفت که چون تعلیق به نام حریر صورت گرفته پس کتاب حریر منبع

مستقیم بوده است؟

با تکیه به شواهد موجود نمی‌توان نتیجه گرفت که کدام یک از دو کتاب حماد یا حریر منبع مستقیم کلینی بوده است؛ اما باتوجه به شهرت کتاب حریر در حوزه حدیثی قم و بغداد - چنان‌که پیش‌تر گذشت - و متداول بودن این کتاب میان محدثان به نظر می‌رسد که کلینی در نقل روایات حریر به کتاب خود وی مراجعه کرده و حماد صرفاً طریق به کتاب حریر است؛ البته به احتمال فراوان کلینی در نقل روایات دیگر مشایخ حماد از کتاب خود حماد به صورت مستقیم استفاده کرده است. مشایخی همچون ربیع بن عبدالله (۵۶ روایت)، ابراهیم بن عمر الیمانی (۵۵ روایت)، عمر بن اذینه (۵۳ روایت)، الحسین بن المختار (۳۰ روایت) و دیگران. به عبارتی دیگر، حماد نسبت به روایات حریر نقشی صرفاً طریق دارد و نسبت به روایات دیگر مشایخش نقش استقلالی دارد. خصوصاً باتوجه به روایات متعددی که به صورت مستقیم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.<sup>۲</sup>

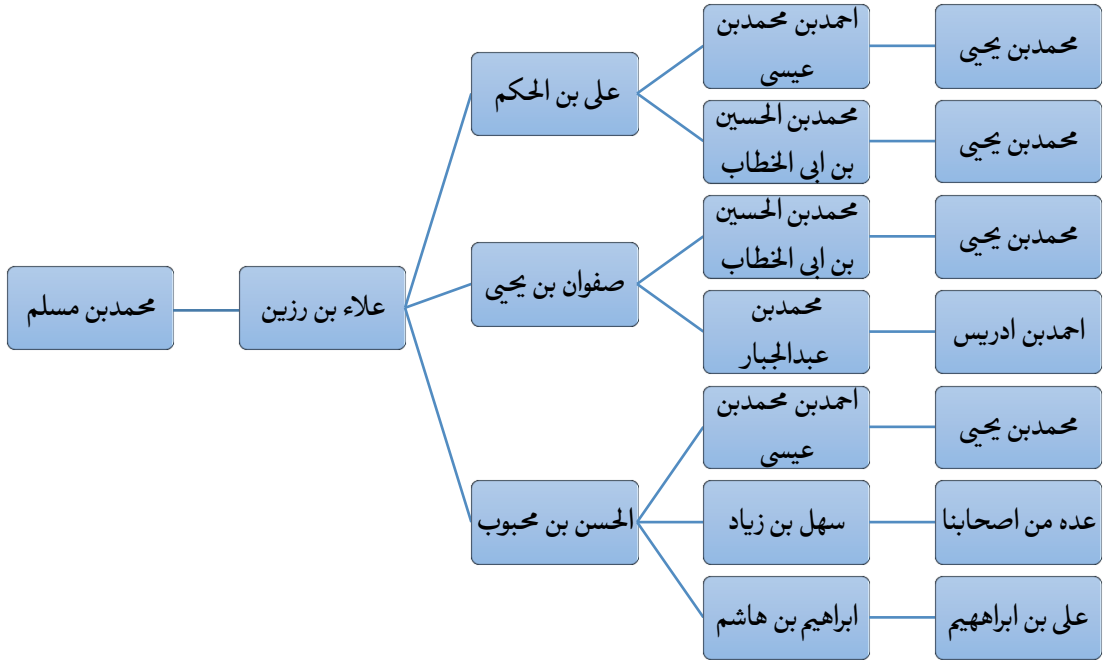
منابع) همچنین محتاج گردآوری شواهدی است که احتمال تحویل در ضمن طریق روایت کتاب را منتفی سازد. تحویل در ضمن طریق روایت کتاب بسیار رخ داده است؛ چنان‌که بیشتر اسانید جلد اول تهذیب الاحکام که دارای تحویل است از همین قبیل به شمار می‌رود، منابع نعمانی در کتاب غیبت - چاپ شده ضمن - بازسازی متون کهن حدیثی، ص ۳۹۵.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۵۵۳، ح ۱-۴.

۲. نجاشی تعداد روایات وی از امام صادق علیه السلام را بیست مورد گزارش کرده است. (رجال النجاشی،

## ۲.۴. طرق علاء بن رزین

(نمودار شماره ۲)



در نمودار بالا طریق نخست ۴۶ مرتبه، طریق دوم ۱۸ مرتبه، طریق سوم ۳۸ مرتبه، طریق چهارم ۲۴ مرتبه، طریق پنجم ۳۳ مرتبه، طریق ششم ۱۵ مرتبه و طریق هفتم ۱۲ مرتبه تکرار شده است.

علاء بن رزین با ۲۷۶ روایت پرتکرارترین راوی محمد بن مسلم است از این میان ۱۸۶ روایت (۶۸٪) از نمودار بالا پیروی می‌کند. پیش‌تر اشاره شد که کتاب علاء بن رزین با چهار روایت مختلف و مشهور روایت می‌شده است که روایت حسن بن محبوب و صفوان بن یحیی (محمد بن ابی الصهبان) - منطبق با دو طریق از سه طریق فوق - از جمله آن

ص ۱۴۲، ش ۳۷۰) که مطابق با تعداد روایات وی از امام صادق در کتاب الکافی است، به عنوان نمونه؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۸۶ و ج ۲، ص ۴۶۷ و ۶۱۳.

است. نکته جالب توجه در مورد علاء بن زرین آن است که از میان ۱۱۰۷ روایت وی در کتب اربعه ۱۰۳۶ روایت (۹۳٪) از محمد بن مسلم است. این نشان می‌دهد که کتاب علاء چیزی جز - بخشی از - کتاب محمد بن مسلم نیست. به عبارتی علاء بن زرین تنها کتاب محمد بن مسلم را روایت کرده است و تقریباً همه حجم کتاب خود او نیز از کتاب محمد بن مسلم اخذ شده است.

کتاب علاء متنی مشهور در میان محدثان بوده است؛ چنان‌که احمد بن محمد بن عیسی برای به دست آوردن این کتاب به حسن بن علی الوشاء مراجعه می‌کند و از او درخواست می‌کند که کتاب علاء بن زرین و کتاب ابان را به او اجازه دهد، اما وشاء اجازه را مشروط به استنساخ و سپس سماع قرار می‌دهد.<sup>۱</sup> وجود کتاب علاء تا قرن ششم، نزد سید بن طاووس،<sup>۲</sup> احتمال دسترسی کلینی به این کتاب را تقویت می‌کند.<sup>۳</sup>

اما با توجه به طرق متعدد با حلقه‌های ارتباطی غیر یکسانی که کلینی به علاء بن زرین ذکر می‌کند، به نظر می‌رسد که کلینی به صورت مستقیم از این کتاب در تألیف الکافی بهره نبرده است. بعید به نظر می‌رسد که کلینی به سه روایت مختلف (و روایت‌های دیگر که در نمودار بالا ذکر نشده، همچون روایت یونس و بزنتی که به صورت مستقیم از علاء بن زرین روایت کرده‌اند) کتاب علاء را گزارش کرده باشد. به عبارتی اگر کتاب علاء منبع مستقیم بود، کلینی با یک طریق پرتکرار دسترسی خود به کتاب علاء را بیان می‌کرد، همچون کتاب عبیدالله بن علی حلبی<sup>۴</sup> و کتاب اسماعیل بن ابی زیاد السکونی.<sup>۱</sup>

۱. رجال النجاشی، ص ۴۰، ش ۸۰.

۲. کتابخانه سید بن طاووس، ص ۳۵۴.

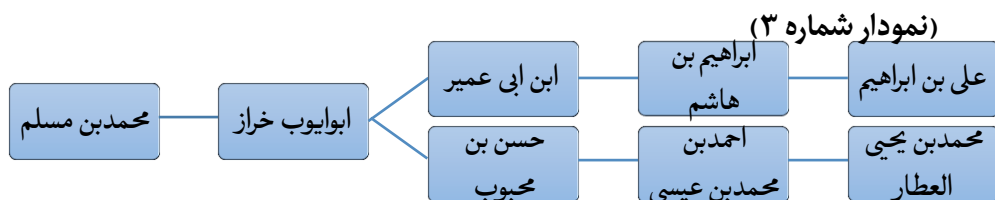
۳. نکته جالب توجه آنکه بخش‌هایی از این کتاب در دسترس قرار دارد و نسخه آن توسط محمد بن علی جبائی (در جمادی الأولى ۸۶۰ ق) از نسخه‌ای به خط شهید اول (در رمضان المبارک ۷۶۳ ق) از نسخه‌ای به خط ابن ادریس حلی کتابت شده است (الذریعة، ج ۲، ص ۱۶۴ «اصل علاء بن زرین... و هو احد اصول الموجودة الى عصرنا، نسخ عن خط الشهيد و هو نسخه عن خط محمد بن ادریس الحلی» خاتمة المستدرک، ج ۱، ص ۱۰۱؛ برای تحقیق بیشتر ن.ک: مقدمة اصول الستة عشر، ص ۹۱-۹۵)؛ از این مجموعه روایات فراوانی عیناً در کتاب الکافی وجود دارد.

۴. کلینی ۴۱۵ حدیث به طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن حماد عن الحلبي» روایت کرده



بنابراین کلینی برای دسترسی به روایات محمد بن مسلم از طریق علاء بن رزین از منابع واسطه‌ای همچون کتاب علی بن الحکم<sup>۲</sup> و حسن بن محبوب<sup>۳</sup> و صفوان بن یحیی بهره برده است. بدون تردید این سه کتاب، منبع مستقیم کلینی برای دستیابی به بخشی از روایات محمد بن مسلم به شمار می‌آید که در ادامه شواهد آن مطرح می‌شود. در کتاب الکافی، حسن بن محبوب ۷۲ روایت، علی بن حکم ۷۲ روایت و صفوان بن یحیی ۷۸ روایت به واسطه علاء بن رزین از محمد بن مسلم روایت کرده‌اند. در ادامه شواهدی بیان خواهد شد.

### ۳.۴. ابراهیم ابویوب خزاز



است که بیش از ۹۵٪ درصد مجموعه طرق به وی را شامل می‌شود.

۱. کلینی ۴۶۲ روایت به طریق «علی بن ابراهیم عن ابيه عن التوفلي عن السكوني» روایت کرده است که بیش

از ۹۸٪ مجموعه طرق به وی را شامل می‌شود.

۲. فهرست، ص ۲۶۳، ش ۷۶، رجال النجاشی، ص ۲۷۴، ش ۱۸؛ با توجه به طرق شیخ طوسی به این

کتاب «و رواه محمد بن علي عن أبيه و محمد بن الحسن عن سعد بن عبد الله عن أحمد بن محمد عن

علي بن الحکم؛ و أخبرنا ابن أبي جيد عن ابن الوليد عن الصفار و أحمد بن إدريس و الحميري و محمد بن

یحیی عن أحمد بن محمد عن علي بن الحکم» می‌توان گفت: کتاب علی بن الحکم توسط احمد بن

محمد بن عیسی از کوفه به قم انتقال یافته و بسیاری از محدثان سرشناس قم این کتاب را از او دریافت

کرده و به کلینی منتقل کرده‌اند؛ به همین دلیل بیش از ۷۵٪ درصد روایات علی بن الحکم در الکافی به

واسطه احمد بن محمد بن عیسی روایت شده است؛ این کتاب سپس توسط ابن ابی جید، علی بن بابویه

یا پسرش شیخ صدوق به بغداد منتقل شده است.

۳. نجاشی کتب متعددی برای حسن بن محبوب ذکر می‌کند که تنها کتاب النوادر نزدیک به هزار ورق

بوده است، رجال النجاشی، ص ۱۲۲، ش ۱۶۲.

در نمودار فوق سند نخست ۲۵ مرتبه و سند دوم ۲۲ مرتبه تکرار شده است. ابراهیم خراز مجموعاً ۱۰۱ روایت از محمد بن مسلم دارد که از این تعداد ۴۸ روایت از نمودار بالا پیروی می‌کند. ابویوب خراز کتابی با نام «نوادیر» داشته که نجاشی راویان آن را فراوان می‌داند و طریق خود به این کتاب را ذکر می‌کند: «أخبرنا محمد بن علي عن أحمد بن محمد بن يحيى عن أبيه عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسن بن محبوب عنه به»<sup>۱</sup> شیخ طوسی نیز ابن ابی عمیر و صفوان بن یحیی را راوی کتاب ابویوب معرفی می‌کند<sup>۲</sup> و شیخ صدوق همچون نجاشی طریق خود به کتاب ابراهیم خراز را به حسن بن محبوب می‌رساند.<sup>۳</sup>

به نظر می‌رسد مرحوم کلینی برای دستیابی به روایات ابویوب خراز از محمد بن مسلم، — همچون روایات علاء — از منابع واسطه‌ای بهره برده است. فراوانی اسناد تحویلی به حسن بن محبوب و نیز سندهای تعلیقی متعدد و متوالی، بهره کلینی از کتاب حسن بن محبوب در دستیابی را تقویت می‌کند. به عنوان نمونه:

تحویل: عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد و علي بن إبراهيم عن أبيه جميعا عن ابن محبوب عن أبي أيوب و عبد الله بن بكير عن محمد بن مسلم؛<sup>۴</sup>

تحویل: عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعا عن ابن محبوب عن العلاء بن رزين و أبي أيوب و عبد الله بن بكير عن محمد بن مسلم؛<sup>۵</sup>

تحویل: عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد و محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد جميعا عن ابن محبوب و أحمد بن محمد بن أبي نصر جميعا عن العلاء عن محمد بن مسلم؛<sup>۶</sup>

تحویل: عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد عن ابن محبوب و محمد بن يحيى عن أحمد بن

۱. همان، ص ۲۰، ش ۲۵.

۲. الفهرست، ص ۱۸، ش ۱۳.

۳. من لايحضره الفقيه، ج ۴، ص ۴۶۹.

۴. الكافي، ج ۷، ص ۹۹.

۵. همان، ج ۷، ص ۱۰۳.

۶. همان، ج ۶، ص ۲۱۹.

محمد بن عیسی و علی بن ابراهیم عن ابيه جميعا عن ابن محبوب عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم قال؛<sup>۱</sup>

تحویل و تعلیق متوالی: ۱۳ - محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد و علی بن ابراهیم عن ابيه و عدة من أصحابنا عن سهل بن زیاد جميعا عن ابن محبوب عن مالك بن عطية عن سليمان؛

۱۴- ابن محبوب عن نعیم بن ابراهیم عن عباد البصری عن جعفر بن محمد؛

۱۵- ابن محبوب عن ایوب و ابن بکیر عن محمد بن مسلم...؛

۱۶- ابن محبوب عن عباد بن صهیب عن ابي عبدالله...؛

۱۷- ابن محبوب عن عبدالعزيز العبدی عن عبيد بن زرارہ...؛

۱۸- محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن هشام بن سالم...؛

۱۹- علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن محبوب عن بعض اصحابه عن ابي عبدالله...؛<sup>۲</sup>

از این اسناد تحویلی و تعلیقی و نیز موارد فراوان دیگر چنین به دست می آید که کتاب حسن بن محبوب منبع مستقیم بسیاری از روایات کلینی است که بخشی از آن به واسطه علاء بن رزین و ابویوب خراز به محمد بن مسلم ختم می شود. باید توجه داشت که کتاب المشیخة حسن بن محبوب در دسترس ابن ادریس (۵۹۸ ق) قرار داشته که به صورت مستقیم در مستطرفات السرائر روایاتی از آن نقل کرده است.<sup>۳</sup>

نگاشته های ابن ابی عمیر نیز با توجه به اسناد تحویلی و تعلیقی<sup>۴</sup> منبع مستقیم دیگر کلینی برای دستیابی به روایات محمد بن مسلم است. ابن ابی عمیر به واسطه ابو ایوب خراز ۲۷ روایت، به واسطه جمیل بن دراج ۱۵ روایت و به واسطه حماد بن عثمان ۸ روایت

۱. همان، ج ۷، ص ۱۵۰.

۲. همان، ج ۷، ص ۲۰۸، ح ۱۳-۱۹.

۳. السرائر، ج ۳، ص ۵۸۹؛ جالب آنکه در روایات نقل شده توسط ابن ادریس که به صورت مستقیم از کتاب المشیخة حسن بن محبوب روایت شده، احادیث متعددی از ابویوب خراز و علاء بن رزین هست.

۴. به عنوان نمونه: الکافی، ج ۸، ص ۱۶۳؛ ج ۶، ص ۱۵۰؛ ج ۱، ص ۴۷ در مجموع بیش از ۳۰۰ مرتبه به نام محمد بن ابی عمیر تحویل و تعلیق صورت گرفته است.

از محمد بن مسلم روایت کرده است.

#### ۴.۴. عمر بن اذینه

(نمودار شماره ۶)



عمر بن اذینه با ۴۹ روایت چهارمین راوی پرتکرار محمد بن مسلم است. از این تعداد، طریق فوق ۳۰ مرتبه تکرار شده است. نجاشی کتابی تحت عنوان «کتاب الفرائض» برای وی ذکر می‌کند که توسط ابن ابی عمیر روایت شده است.<sup>۱</sup> شیخ صدوق نیز طریق خود به کتاب عمر بن اذینه را این‌گونه ذکر می‌کند: «و ما کان فیه عن عمر بن اذینه فقد رویته عن اَبی عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن الحسین بن سعید، عن محمد بن اَبی عمیر، عن عمر بن اذینه»<sup>۲</sup> با توجه به این طریق می‌توان گفت که حسین بن سعید کتاب عمر بن اذینه را از ابن ابی عمیر دریافت و با خود به قم منتقل کرده است. کلینی بیش از ۲۵۵ روایت به طریق «علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن عمر بن اذینه» روایت کرده است.<sup>۳</sup> این طریق پرتکرار<sup>۴</sup> به ضمیمه فراوانی مشایخ عمر بن اذینه و روایات مستقیم وی از امام صادق علیه السلام احتمال آنکه کتاب عمر بن اذینه منبع مستقیم کلینی باشد را تقویت می‌کند. نکته دیگر آن است که برخی از روایات نقل شده از عمر بن اذینه در کتاب الکافی مربوط به بحث ارث است که با موضوع کتاب وی «الفرائض» هماهنگ است، این بر احتمال منبع مستقیم بودن این کتاب می‌افزاید. گفتنی است که در مواردی نام یونس بن عبدالرحمن در اسناد تحویلی به عمر بن

۱. رجال النجاشی، ص ۲۸۳، ش ۷۵۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۶۳.

۳. به عنوان نمونه: الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹؛ ج ۲، ص ۱۴۲؛

۴. با توجه به این طریق به نظر می‌رسد ابراهیم بن هاشم شخص دیگری است که کتاب عمر بن اذینه را از ابن ابی عمیر دریافت نموده و با خود به قم منتقل کرده است از این طریق در چرخه نقل راویان قمی چون کلینی قرار گرفته است.

اذینه دیده می‌شود،<sup>۱</sup> در این موارد می‌توان مدعی شد کلینی به دو طریق به کتاب عمر بن اذینه دسترسی داشته است، یکی به واسطه خود کتاب عمر بن اذینه از طریق ابن ابی عمیر و دیگری به واسطه روایاتی که یونس بن عبدالرحمن در کتاب خود از عمر بن اذینه روایت کرده است؛ بدون تردید کتب یونس بن عبدالرحمن از منابع مستقیم کلینی در تألیف الکافی است.<sup>۲</sup>

چندان بعید نیست که به دلیل وجود این راویان متعدد، کتاب محمد بن مسلم به صورت مستقل به قرن چهارم و پنجم نرسیده باشد.<sup>۳</sup> اطلاعات بسیار اندکی که از کتاب

---

۱. طریق «علي بن إبراهيم عن أبيه عن ابن أبي عمير و محمد بن عيسى عن يونس بن عبد الرحمن جميعا عن عمر بن أذينة» در موارد متعددی تکرار شده است (به عنوان نمونه: الکافی، ج ۷، ص ۹۸؛ ج ۷، ص ۱۰۹).

۲. محمد بن عیسی بن عبید (العبیدی) و اسماعیل بن مرار مهمترین راویان یونس هستند؛ این دو در کتب فهرست به عنوان منتقل‌کننده کتب یونس ذکر شده‌اند (رجال النجاشی، ص ۴۴۸، ش ۱۲۰۸) به احتمال فراوان عبیدی دست کم نسبت به روایات یونس در کتاب الکافی نقشی کاملا طریقی دارد؛ ممکن است کلینی برای دسترسی به روایات دیگر مشایخ عبیدی از کتاب‌های خود عبیدی بهره برده باشد. اسماعیل بن مرار نیز دارای کتاب نیست و تنها منتقل‌کننده کتاب یونس به ابراهیم بن هاشم است؛ بنابراین عبیدی و اسماعیل بن مرار نمی‌توانند منبع استقلالی و مستقیم کلینی در روایات یونس باشند. پراکندگی به نسبت یکسان مشایخ یونس، احتمال منبع مستقیم بودن کتب یونس را بیش از پیش تقویت می‌کند. عبدالله بن سنان ۵۱ روایت، عبدالله بن مسکان ۴۴ روایت، بعض اصحاب یونس ۲۵ روایت، عمر بن اذینه ۲۵ روایت، اسحاق بن عمار الصیرفی ۱۹ روایت، رجل ۱۸ روایت، سماعة بن مهران ۱۷ روایت، ابویوب خراز ۱۶ روایت، عمن ذکره ۱۵ روایت. این پراکندگی مشایخ در کنار ۳۳ نقل مستقیم از امام رضا علیه السلام احتمال منبع مستقیم بودن کتب یونس را بیشتر می‌کند. نکته مهم‌تری که هرگونه تردید در منبع مستقیم بودن کتب یونس را برطرف می‌کند، روایات موقوفه و بیاناتی است که از یونس نقل شده است (الکافی، ج ۱، ص ۱۵۴ و ص ۵۰۹؛ ج ۳، ص ۵۲۸؛ ج ۷، ص ۲۱۲)؛ حتی در مواردی کلینی بابتی مستقل را براساس کلام یونس تنظیم کرده است (الکافی، ج ۵، ص ۵۷۰ باب تفسیر ما یحل من النکاح و ما یحرم و الفرق بین النکاح و السفاح و الزنی و هو من کلام یونس و ج ۷، ص ۸۳ باب العلة فی أن السهام لا تكون أكثر من ستة و هو من کلام یونس).

۳. همین احتمال در رابطه با کتاب ابوبصیر اسدی نیز مطرح است؛ با اینکه نجاشی کتابی با نام یوم و

محمد بن مسلم ارائه شده است. به ویژه در مقایسه با کتاب‌های مهم دیگر مانند کتاب عبیدالله بن علی حلبی که داده‌های فراوانی در فهرس دارد<sup>۱</sup>. این احتمال را تقویت می‌کند؛ اما این سخن که محمد بن مسلم کتابی نداشته و روایاتی که به وی ختم می‌شود دستاورد تلاش دیگران در جمع روایات وی است،<sup>۲</sup> نه با گزارش‌های موجود سازگاری دارد<sup>۳</sup> و نه با واقعیت‌های تاریخ حدیث شیعه [نقل از بستر مکتوب] همسو و هم‌جهت است.

## نتیجه

۱. محمد بن مسلم دارای کتابی معروف و مشهور بوده که راویان فراوانی این کتاب را روایت می‌کردند.
۲. این سخن که کتاب محمد بن مسلم گردآوری دیگران از سخنان یا روایات شفاهی وی است، چندان صحیح نیست.
۳. به نظر می‌رسد، با توجه به اطلاعات اندک از کتاب محمد بن مسلم در فهرس، کتاب محمد بن مسلم به صورت متنی مستقل به قرن چهارم و پس از آن منتقل نشده است.
۴. علاء بن رزین القلاء، حریر بن عبدالله سجستانی، ابراهیم ابویوب خزاز و عمر بن اذینه مهم‌ترین راویان کتاب محمد بن مسلم هستند که روایات این کتاب را به نسل‌های

---

لیله و شیخ طوسی کتابی با نام مناسک الحج برای وی ذکر می‌کنند اما علی رغم وجود روایات فراوانی از وی در کتب اربعه (الکافی ۱۰۲۱، روایت و مجموع کتب اربعه ۲۵۷۲ روایت) هیچ اطلاعاتی برای کتب او وجود ندارد، حتی شیخ طوسی طریقی برای این کتاب ذکر می‌کند. به نظر می‌رسد آثار حدیثی ابوبصیر نیز به جهت انتقال به کتب دیگران (همچون علی بن ابی حمزه بطائنی که کتاب تفسیری با استفاده از احادیث ابوبصیر تالیف کرده بود «کتاب التفسیر و أكثره عن أبي بصير كتاب» رجال النجاشی، ص ۲۴۹، ش ۶۵۶) به صورت مستقل به نسل‌های پسین منتقل نشده است.

۱. رجال النجاشی، ص ۲۳۰، ش ۶۱۲.
۲. «مسائل محمد بن مسلم کتاب من تصنیفه او مما جمعه الآخرون من مروياته؟»، ص ۶۷.
۳. الکافی، ج ۷، ص ۳۵.

پسین منتقل کرده‌اند.

۵. کلینی برای نگارش کتاب الکافی از دو نوع منبع بهره‌مند شده است؛ منابع اولیه و منابع ثانویه‌ای که با توجه به منابع اولیه تدوین شده‌اند. کتاب محمد بن مسلم به منابع ثانویه منتقل شده و در اختیار کلینی قرار گرفته است.

۶. کلینی یا به واسطه کتاب‌های راویان نخستین محمد بن مسلم به روایات وی دسترسی داشته. همچون کتاب حریز بن عبدالله سجستانی که بی‌گمان به صورت متنی مستقل تا قرن پنجم باقی مانده است. و یا باتکیه به منابع پسین‌تر همچون کتب حسن بن محبوب و کتاب ابن ابی عمیر و کتاب صفوان بن یحیی از کتاب محمد بن مسلم نقل می‌کند.

۷. با توجه به جدول ذیل می‌توان مهم‌ترین منابع احتمالی روایات کتاب محمد بن مسلم را به دست آورد. البته این احتمال وجود دارد که در برخی موارد از منابع واسطه‌ای استفاده شده باشد.

ردیف	منبع احتمالی مستقیم	تعداد طرق	درصد نسبت به کل روایات محمد بن مسلم	مهم‌ترین راوی مستقیم محمد بن مسلم
۱	کتاب حریز بن عبدالله <sup>۱</sup>	۱۳۰	۱۵٪	حریز بن عبدالله (صاحب کتاب)
۲	کتاب حسن بن محبوب	۱۲۲	۱۴٪	علاء بن رزین - ابویوب خزاز
۳	کتاب صفوان بن یحیی	۹۳	۱۰,۷٪	علاء بن رزین
۴	کتاب علی بن حکم	۸۲	۹,۵٪	علاء بن رزین
۵	کتاب ابن ابی عمیر <sup>۱</sup>	۷۲	۸,۳٪	ابو ایوب خزاز - جیمیل بن دراج

۱. بیشتر گذشت که احتمال دارد روایات حریز از محمد بن مسلم به واسطه کتاب حماد بن عیسی روایت شده باشد، اما به جهت آنکه احتمال منبع مستقیم بودن کتاب حریز در نظر نگارنده بیشتر بود، این عنوان ذکر شد.

۶	کتاب عمر بن اذینه	۴۹	۷,۵ %	عمر بن اذینه (صاحب کتاب)
۷	کتاب یونس بن عبدالرحمن	۲۸	۳,۲ %	علاء بن رزین
۸	کتاب الحسن بن راشد	۱۱	۱,۳ %	الحسن بن راشد (صاحب کتاب)

۱. گفتنی است که به نظر می‌رسد ابن ابی عمیر نسبت به روایات محمد بن مسلم هم نقش طریقی دارد هم نقش استقلالی. نسبت به روایات عمر بن اذینه از محمد بن مسلم نقشی طریقی به کتاب عمر بن اذینه دارد، اما نسبت به روایات دیگران از محمد بن مسلم نقشی طریقی دارد.



## کتابنامه

### کتابها

۱. الاختصاص، محمد بن محمد بن النعمان، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمود محرّمی، قم، المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
۲. اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)، محمد بن عمر کشی، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد، موسسة نشر دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹ ق.
۳. الاستبصار، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: حسن الموسوی الخرسان، تهران، دارالتب الاسلامیة، اول، ۱۳۹۰ ق.
۴. اصول الرجال المستوی الاول، سید محمد جواد شبیری زنجانی، قم، بی جا، بی تا.
۵. اعتبارسنجی احادیث شیعه، سید علیرضا حسینی شیرازی، تهران، سمت، اول، ۱۳۹۷ ش.
۶. الامالی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: موسسة البعثة، قم، دارالثقافه، اول، ۱۴۱۴ ق.
۷. بازسازی متون کهن حدیث شیعه، محمد عمادی حائری، تهران، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، اول، ۱۳۸۸ ش.
۸. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ ق.
۹. توضیح الاسناد المشکله فی کتب الاربعه، سید محمد جواد شبیری زنجانی، قم، دارالحدیث، اول، ۱۴۲۹ ق.
۱۰. تهذیب الاحکام، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: حسن الموسوی خرسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. خاتمة المستدرک، میرزا حسین نوری، قم، موسسة آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۴۱۷ ق.
۱۲. الذریعه الی تصانیف الشیعه، آغا بزرگ طهرانی، بیروت، دارالاضواء، سوم، ۱۴۰۳ ق.

۱۳. رجال البرقی، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
۱۴. رجال السيد بحر العلوم، تحقیق: محمد صادق بحر العلوم، تهران، مكتبة الصادق، اول، ۱۳۶۳ ش.
۱۵. رجال الطوسی، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: جواد قیومی، قم، موسسة النشر الاسلامی، سوم، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم، موسسة النشر الاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ ش.
۱۷. الرعاية لحال البداية فی علم الدراية (رسائل فی دراية الحديث)، زين الدين بن علی العاملي المعروف بالشهيد الثاني، اعداد: ابوالفضل حافظيان، قم، دارالحديث، چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۱۸. روضه المتقين فی شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقی مجلسی، تحقیق: حسین موسی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم، موسسه فرهنگي اسلامي کوشانبور، دوم، ۱۴۰۶ ق.
۱۹. السرائر، ابن ادريس حلی، تحقیق: حسن بن احمد الموسوی و ابن مسیح ابوالحسن، قم، دفتر انتشارات اسلامي، دوم، ۱۴۱۰ ق.
۲۰. الفهرست، محمد بن الحسن الطوسی، تحقیق: عبد العزيز طباطبائی، قم، مكتبة المحقق الطباطبائي، اول، ۱۴۲۰ ق.
۲۱. الكافي، محمد بن يعقوب كليني، تحقیق: علی اكبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالكتب الاسلامية، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. كتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، اتان كلبرگ، ترجمه: سيدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، ۱۳۷۱ ش.
۲۳. مشرق الشمسين و اكسير السعادتین، محمد بن حسين بهائی، قم، مكتبة بصيرتي، بی تا.
۲۴. معالم العلماء فی فهرست كتب الشيعة، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف، المطبعة الحيدرية، اول، ۱۳۸۰ ق.

۲۵. معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خوئی، قم، مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۲۶. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ۱۴۱۳ ق.
۲۷. مناقب آل ابی طالب، محمد بن علی بن شهر آشوب، نجف، المطبعة الحیدریة، اول، ۱۳۷۶ ق.
۲۸. میراث مکتوب شیعه، سیدحسین مدرس طباطبائی، ترجمه: سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، نشر مورخ، اول، ۱۳۸۶ ش.
۲۹. الوجیزه فی الرجال، محمد باقر مجلسی، تحقیق: محمد کاظم رحمان ستایش، تهران، همایش بزرگداشت علامه مجلسی، اول، ۱۴۲۰ ق.

### مقالات و پایان نامه ها

۳۰. «الگویابی اسناد کلینی به کتاب زراره بن اعین» سمیرا حاتمی مهر، اعظم فرجامی مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۵، ش ۳۰.
۳۱. «بررسی تعدد طرق کتب اصحاب ائمه با تاکید بر تالیفات مربوط به امامت»، محمد مهدی کامیابی نیا، استاد راهنما: مجید معارف، ۱۳۹۱ ش.
۳۲. «پژوهشی جدید در کتاب کافی»، سید محمد جواد شبیری، منتشر شده در مجموعه التعریف بالکلینی و الکافی، ج ۱، ص ۲۸۳-۳۴۱.
۳۳. «پیشینه مکتوب منابع معتبر حدیثی شیعه»، حسن طارمی راد، منتشر شده در بازسازی متون کهن حدیثی ص ۱۵۳-۱۷۳.
۳۴. «تحلیل دیدگاه شیخ بهایی و اخباریان در علل تغییر شیوه اعتبارسنجی متاخران»، احسان سرخه‌ای، علوم حدیث، بهار ۱۳۹۷، شماره ۸۷.
۳۵. «تضارب آرای شیخ طوسی و نجاشی درباره حریر بن عبدالله سجستانی»، مهدی بیات مختاری، علوم قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۹، ش ۸۷.
۳۶. «روش‌شناسی آیت الله بروجردی در کشف سندهای مرسل با تاکید بر کتاب الموسوعة الرجالية»، محمد صادق بخشی جویباری، سید محمد کاظم طباطبائی؛ حدیث حوزه، ۱۳۹۵ ش، ش ۱۳.

۳۷. «کتاب حلبی منعی مکتوب در تألیف الکافی»، احسان سرخه‌ای، مجله علوم حدیث ش ۵۱، بهار ۱۳۸۸.
۳۸. «مسائل محمد بن مسلم کتاب من تصنیفه او مما جمعه الآخرون من مروياته؟»، محمد عمادی حائری، مجله تراثنا، ۱۴۳۷ ق، شماره ۱۲۵.
۳۹. «مشایخ اجازه در اسناد الکافی»، مجید معارف، رضا قربانی زرین، مجله علوم حدیث، ۱۳۸۸ ش، ش ۵۱.
۴۰. «مصادر الشيخ الطوسی قدس سره فی کتاب تهذیب الاحکام»، سید محمد جواد شبیری زنجانی، علوم حدیث، ۱۴۲۰ ق، شماره ۶.
۴۱. «نظریه ابتناء کتب حدیثی موجود شیعه بر مکتوبات سه قرن اول هجری با تأکید بر کتاب کافی»، محمد اعجاز نگری، استاد راهنما: محمد حسین بهرامی، استاد مشاور: مهدی مهریزی، دفاع: سال ۱۳۹۶، جامعه المصطفی العالمیه.